

مقدمه

در مورد اجتماعی بودن انسان دو رأی و نظر وجود دارد. برخی از دانشمندان با تکیه بر نظریه افلاطون، آدمی را ذاتاً اجتماعی خوانده‌اند و علمای متأخر (اتنو کلاین برگ) آدمی را بالاکتساب و به خاطر نیاز اجتماعی می‌خوانند.

هر یک از این دو نظر را که بپذیریم، در اصل اجتماعی بودن انسان ششک و تردیدی نیست. آدمی در بین جمیع اجتماع به دنیا می‌آید و در سایه کثرت ارتباط در او احساس تعلق به عضو یا گروهی پدیدار می‌شود. بعدها به خاطر احتیاجاتی که به والدین یا دیگران دارد، ناگزیر می‌شود در موارد بسیار تسلیم نظریات آنان شود. نیاز به رفاه و آرامش در زندگی، احتیاج به معاشرت و محبت، نیاز به حمایت و... او را وامی‌دارد که زندگی خود را تحت ضابطه و کنترل درآورد.

زندگی تربیت یک اجتماع

دکتر علی قائمی

ضرورت اجتماعی شدن

کوشش و تلاشی لازم است تا کودکان از دوران خردسالی و بعد از آن رنگ و هوای اجتماعی بگیرند و کل جهت‌گیری‌ها در جریان تعلیم و تربیت در خط اجتماعی بار آوردن آنان است. این تلاش و اقدام بدان خاطر است که آدمی در عرصه حیات این جهانی، به تنهایی قادر به رفع نیاز مادی و معنوی خود نیست، و این دو، انگیزه‌هایی نیرومند برای برقراری ارتباط در سطوح مختلف محسوب می‌شوند.

از علمای معاصر، دورکیم را می‌شناسیم که کارکرد آموزش و پرورش را متناسب با محیط اجتماعی آن‌ها می‌داند و حتی کلاس درس را به منزله جامعه‌ای کوچک و عاملی برای جامعه‌پذیری ذکر می‌کند. در این تربیت، هدف این است که فردگرایی تحت الشعاع مشارکت و فعالیت اجتماعی باشد و بر

ثر آن تکمیل و تکامل اجتماعی و رفع مشکلات و موانع از زندگی انسان تحقق یابد.

این نکته نیز قابل ذکر است که در این مسیر، رعایت آداب، پایبندی به اخلاق، التزام به حقوق متقابل اجتماعی، انجام دادن وظیفه، رعایت مسئولیت‌ها و دیگر تعاملات اجتماعی باید مدنظر قرار گیرد و اجتماعی شدن بر آن اساس تحقق یابد.

معنی اجتماعی شدن

مفهوم ساده اجتماعی شدن را در دو عبارت و مفهوم می‌توان بیان کرد:

- ۱- جامعه‌پذیری که غرض از آن پذیرش قواعد و مقررات و نظم و انضباط جامعه است.
- ۲- فرهنگ‌پذیری که مقصد آن تن دادن به باورها، نگرش‌ها،



ارزش‌ها، آداب و رسوم، افکار و شعائر و مناسک جامعه است (آگ برن و نیم کوف).

حاصل رعایت این دو، استمرار و بقای جامعه، همکاری و تعاون، وحدت و استقلال، دوستی و اعتماد و در نهایت همبستگی یک ملت است. در این مسیر اصول مرنط با نظم و انضباط مورد نیاز، ارزش قائل شدن برای دیگر انسان‌ها، آزادی افراد در پناه قانون، حکم به عدل، وفای به عهد و خیراندیشی برای یکدیگر باید آموخته شود (تفسیر نورالثقلین، ج ۳، ص ۷۹).

افراد مورد ارتباط

در معنی و مفهوم اجتماعی شدن، ارتباط با افراد براساس ضوابط و مقررات مورد قبول نهفته است. دامنه این ضوابط ارتباطی در اسلام، از ۷۰ متجاوز است. به این معنی که آدمی در جریان زندگی با سنخ‌های مختلف در رابطه است و با هر سنخ باید به یک گونه رفتار کند. (وسایل الشیعه، ج ۱۴ تا ۱۶). این مجموعه را از لحاظ اتربخشی در رفتار و گفتار و بیان اجتماعی در سه گروه کلی و مهم می‌توان دسته بندی کرد:

۱- خانواده و خویشان: که به ترتیب اهمیت عبارت‌اند از: مادر، پدر، برادر، خواهر، اجداد، خویشاوندان و حتی مستخدم و دیگر افرادی که در زیر یک سقف با کودک در ارتباط‌اند و برای طفل مظهر رفتار و الگوی فراگیری‌اند و کودک خواسته و ناخواسته سعی دارد با آنان همانند گردد.

بی‌شک نقش مادر و پدر در این امر مؤثرتر است و به گفته عالمی اگر بخواهیم فرزندان سالم و حق شناسی داشته باشیم، نخست باید به والدین درس صحیح هدایت خانواده را بیاموزیم (پریور، صدپرسش، ص ۶۸). تنظیم رابطه کودک با دیگران و آماده کردن او برای زندگی سالم در جامعه، همزیستی معقول و سازگاری، نخست از کانون خانواده نشأت می‌گیرد.

۲- معاشران و همسالان: غرض

از همسالان افرادی‌اند که با فرد جرگه اجتماعی تشکیل داده، همراز و هم‌سخن مدارم آدمی‌اند. نقش همسالان در سنن بلوغ، در موارد کوچ خانواده، و در خانواده‌های

نابسامان، از پدر و مادر هم پیش‌تر است (کودک و خانواده نابسامان، نگارنده). به همین خاطر در گزینش دوست و معاشر، والدین باید همراهی جدی و مؤثر برای کودک باشند و نیز زمینه انتخاب دوست و معاشر را از قبل باید برای فرزندان فراهم سازند.

در اسلام سخن این است که با فردی رابطه دوستی برقرار شود که دیدارش آدمی را به یاد خدا اندازد و بر میزان علم و فکر او بیفزاید (بحارالانوار، ج ۱۵، ص ۵۱). به ما توصیه کرده‌اند که پیش از امتحان و ارزیابی ایمانی و شرف فرد او را به دوستی برنگزینیم (غررالحکم، علی‌ع). که حاصل آن پیشمانی و خسارت است (همان). حتی امام صادق (ع) فرمود: اگر فردی سه بار بر تو خشمگین شد و سخنی علیه تو گفت، او را به دوستی خود برگزین (ص ۳۸۷، تحف العقول).

۳- مردم و اجتماع: غرض همان افرادی‌اند که ما در کوچه و بازار با آنان سرو کار داریم و معاشرت و دیدار آنان در ما مؤثر است. از نظر اسلام نه تنها ما را حق رهبانیت و انزوا نیست (پیامبر ص)، بلکه باید با مردم جوشش و ارتباط داشت و از خوبان آنان درس انسانیت گرفت و بدان آنان را باید امر به معروف و نهی از منکر کرد.

مردم، خلق خدا و آفریده‌های او هستند. باید آنان را دوست داشت (وسایل الشیعه، ج ۸، ص ۴۳۳) و دوستداری مردم بعد از ایمان به خدا در رأس عقل و خردورزی است (حدیث قدسی)، به‌ویژه مؤمنان را که در زبان قرآن با هم برادر خوانده شده‌اند (سوره حجرات، آیه ۱۰).

آگاهی‌های لازم

در تربیت اجتماعی کودک، ضروری است آگاهی‌های لازم به او داده شود. دامنه این آگاهی‌ها بسیار و از آن جمله است:

- آگاهی به اخلاق و قواعد اخلاقی که در بینش اسلامی، اخلاق رمز بعثت پیامبر ماست (مکارم الاخلاق).

- آگاهی به حقوق، به معنی بده و ستان اجتماعی - که کودک تدریجاً باید دریابد چه چیزهایی را به دیگران بدهکار و چه چیزهایی را از مردم و دیگران طلبکار است؛ مثل آگاهی از حقوق والدین، حقوق همسایه، حقوق معلم و شاگرد و ...

- آگاهی به آداب و رسوم معقول و التزام به آنها، به‌ویژه آیین شهروندی که در برگرفته مفهوم جامعه‌پذیری و فرهنگ پذیری و در آن سعی

بر این است که رفتار براساس موازین اجتماعی مشروع و معقول باشد؛ مثل آداب معاشرت، آداب مهمانی و نشست و برخاست‌ها، روابط با کوچکتران و بزرگتران و ...
 این امور و مسائلی باید با استفاده از فرصت نسبتاً طولانی دوران کودکی، نوجوانی و جوانی و براساس اصل تدریج آموخته شود. هم چنین است آگاهی از حدود و مرزها در روابط با دیگران و حضور یا عدم حضور در مجامع و ...
 - استفاده از جنبه‌های الگویی والدین و مربیان و نیز کسانی که از نظر دینی برای ما الگو معرفی شده‌اند، مثل حضرات معصومان (ع).

شیوه‌ها و طرق

برای اجتماعی کردن افراد، شیوه‌ها و طرقی توسط اولیای دین و صاحب‌نظران در علم مطرح شده است که به علت محدودیت رعایت حجم نوشته ناگزیریم فهرست‌وار از آن‌ها یاد کنیم :
 - پذیرش کودک در خانواده و اجتماع به همان‌گونه که هست - بدون در نظر داشتن جنس و زیبایی و زشتی - و تلقی او به عنوان امانت گرانقدری از حضرت پروردگار .
 - حرمت‌داری او که زیاد مورد سفارش رسول گرامی اسلام بود - اکرموا اولادکم (مکارم الاخلاق) .
 - دوستداری و اعلام محبت به او به صورت بوسیدن، نوازش بدنی و نوازش کلامی .
 - شرکت دادن او در جمع خود و برخورد با او در مرز شعور و ادراکش .
 - آگاه‌سازی عملی او به طرز برخورد با دیگران از طریق رفتار اندیشیده خود .
 - تمرین دادن او به حنم و بردباری و تحمل دیگران که آن سر لوحه حیات اجتماعی است (قصار ۲۱۵، نهج البلاغه) .
 - شخصیت قائل شدن برای او، به‌گونه‌ای که او را حق اظهار نظر و در مواردی هم حق رأی باشد .
 - ایجاد محیط امن و صفا در خانه و مدرسه و بالا بردن

سطح فرهنگ جامعه به‌منظور ارزش قائل شدن برای کودک .
 - سپردن مسئولیت محدود و معین و در حد توان او، به گونه‌ای که خود را عضوی از اجتماع خود بداند .
 - هم‌نوایی، همدردی و ملاحظت با او تا در سایه آن درس انس و صفا با دیگران را بیاموزد .
 - زمینه‌سازی الحاق اجتماعی و حرفه‌ای در مدرسه و عضویت دادن او در گروه‌ها و فوق برنامه‌های مدرسه .
 - برانگیختن غیرت و همت او برای رفع عیوب خود و دیگران و مقابله با مفاسد .
 - تمرین برای رعایت این امر که برای دیگران همان را بخواهد که برای خود می‌خواهد (نامه ۳۱، نهج البلاغه) .
 - عادت دادن او به حسن برخورد با دیگران و گشاده‌رویی، که عامل زدودن دشمنی‌ها و کینه‌هاست . (وسایل الشیعه، ج ۸ ص ۵۱۳) .
 - توسعه برنامه‌های اردویی برای ایجاد انس بیش‌تر با دیگران و هم‌رنگی و هم‌خوبی اندیشیده .

هشدارها

- مراقبت از فرزند در رابط داری با افراد آلوده و رفتارهای انحطاطی .
 - پرهیز از گرایش‌های افراطی به دوستان، به ویژه در سنین بلوغ و رفیق شدن والدین با آنان در این سن .
 - تفهیم عوارض خودخواهی، خودبینی و هواپرستی در روابط اجتماعی، که آن ریشه بسیاری از فتنه‌هاست (خطبه ۵۰، نهج البلاغه) .
 - آگاه‌سازی و ایجاد عادت به رعایت انصاف، نفی حسد و زحمت آفرینی (تحف العقول، ۳۲۴) .
 - پرهیز از سرکوب و خرد کردن شخصیت کودک، حتی در مورد خطای بزرگ .

